

جامعه اسلامی کارگران، خانه‌کارگر و جنبش سندیکایی سه بدیل جناح‌های نظام اسلامی سرمایه هستند.

جامعه اسلامی کار و خانه‌کارگر، بدیل جناح‌های راست و میانه نظام اسلامی

عروج احمدی نژاد به سکوی ریاست جمهوری، توازن قوای سابق میان جناح‌های حکومت اسلامی را درهم ریخت. دولت احمدی نژاد میکوشد تا اهرم‌های بجای مانده در دست جناح‌های قدرتمند سابق را یکی پس از دیگری تصرف کند. افزون بر آن، این دولت می‌خواهد تغییراتی در قانون کار فعلی صورت دهد. خبرگزاری مهر در تاریخ نهم آذر در مطلبی تحت عنوان «قانون کار اصلاح می‌شود» به برنامه‌های دولت جدید برای «توسعه اقتصادی و رفاه» پرداخت. همچنین روزنامه دنیای اقتصاد، به تاریخ شانزده آذر ماه، به نقل از مسئولان سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام کرد: «سازمان مدیریت و برنامه ریزی طی گزارشی دوازده سیاست دولت را برای تنظیم بازار کار در چارچوب برنامه چهارم توسعه اعلام کرد. اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار جزء اولین سیاست‌های دولت برای تنظیم بازار کار است.»

چهرمی، وزیر کار دولت احمدی نژاد، با آگاهی بر اقدامات خانه‌کارگر، در سوار شدن بر موج اعتراض کارگران قراردادی اعلام کرد که: «ما عزم جدی داریم که مشکل کارگران قرارداد موقت را حل کنیم.»

در ادامه این تنش‌ها، افشای یک مورد از دستبردهای قانونی خانه‌کارگر بر دسترنج کارگران، موجب بروز بحران جدی در صف نهادهای خانه‌کارگر شد. خبرگزاری مهر، در اوایل آذرماه امسال، در گزارشی علیه خانه‌کارگر نوشت که: «خانه‌کارگر در طول بیست‌وپنج سال گذشته با حاکمیت در وزارت کار و برخی اتحادیه‌های کارگری توانسته به رانت خواری از بودجه‌های کارگری بپردازد، پیش از این وزارت کار توزیع بن‌های کارگری را به خانه‌کارگر سپرده بود و این حزب سیاسی در ازای این کار، ده‌درصد بهای بن‌های کارگری را به میزان چهارمیلیارد و ششصد تومان به صورت سالانه از وزارت کار دریافت می‌کرد.»

خبرگزاری مهر، به نقل از «یک منبع آگاه کارگری» موارد دیگری از چپاول مالی خانه‌کارگر و بکارگیری آن برای پیشبرد مقاصد سیاسی‌اش را افشا نموده و نوشت که:

«اکنون که دولت جدید مستقر شده، حاکمیت بیست‌پنج ساله خانه‌کارگر بر وزارت کار خاتمه یافته، اما این حزب سیاسی برای تداوم رانت خواری خود، بنا ندارد دست از اتحادیه‌های کارگری بکشد و بر همین اساس است که در انتخابات اخیر شوراهای عالی کار سراسر کشور دست به تخلفات متعددی زد. به همین جهت در انتخابات مذکور که بر اساس قانون کار بایستی با حضور ناظر قانونی نمایندگان وزارت کار برگزار شود، بدون اطلاع و حضور این ناظر در اواخر ماه گذشته، بیست‌وپنج آبان سال 84 برگزار شد. اتحادیه اسکان که تحت سیطره خانه‌کارگر قرار دارد، برای جلب آرای برخی کانون‌های استانی، مبلغ بیست‌میلیون ریال به برخی کانون‌ها در روزهای منتهی به انتخابات شوراهای عالی کار کمک مالی نمود.»

در پی این افشاگری جناح راست، علیه «فعالیت‌های حزب سیاسی» خانه‌کارگر، موجی از اعتراض، در میان شوراهای اسلامی کار استان تهران شکل گرفت. کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران، با صدور اطلاعیه‌ای انتخابات شوراهای اسلامی کار را غیر قانونی خواند و اقدامات خانه‌کارگر را بدلیل «پایمال شدن حقوق کارگران بدلیل گرایش‌های سیاسی، مورد حمله قرار داد.

خانه‌کارگر با دست زدن به قدرت‌نمایی و توان بسیج «اعتراضات کارگری» و براه انداختن تعدادی حرکت فرمایشی در صنایع کوشید به تعرض جناح احمدی نژاد پاسخ دهد. این‌ها نیز در بیست‌وهفتم آذر ماه به کارگران یاد آور شد که «تشکیلات کارگری روزهای دشواری را پیش رو دارد که تنها با اتکا بر نیروی عظیم کارگری» میتواند از عهده آن برآید.

در چنین شرایطی است که جدال وزارت کار و خانه‌کارگر، به یک بحران تمام عیار نهادهای کارگری سابق تبدیل شده است. بدیل جناح راست، سازمان دادن نهادی‌های صنفی کارگری برای از میدان بدر کردن تشکیلات کارگری وابسته به باند رفسنجانی است.

تاکید بر لزوم جدایی «اتحادیه کارگری» از حزب سیاسی، اهرم دوسری شده است که خانه کارگر را نه بعنوان «تشکل کارگری» بلکه بعنوان تشکل سیاسی» هر سو تحت فشار قرار داده است. حتی وزیر کار سابق، سرحدی‌زاده نیز، با ایجاد حزب کار خود، می‌کوشد تا «تشکل‌های کارگری مستقل» را زیر پوشش حزب خود قرار دهد. افزون بر آن، بخش قابل توجهی از «فعالین کارگری» هوادار احزاب چپ سابق ایران نیز از همین زاویه، یعنی سیاسی بودن خانه کارگر، آنرا تحت حمله قرار داده‌اند. نکته اصلی اینست که نهادهای کارگری سرمایه‌داری جهانی، سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های دولتی اروپا، سرمایه‌گذاری وسیعی برای ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی کرده‌اند. صندوق بین‌المللی پول نیز از پروژه ایجاد تشکل‌های صنفی غیر دولتی، حمایت میکند. بدیده کارشناسان سرمایه داری، سازماندهی کارگران در اتحادیه‌های صنفی که بناچار تحت رهبری احزاب سرمایه قرار میگیرند، موثرترین ابزار در کنترل مبارزه طبقاتی و پیشگیری از انقلابات قهرآمیز است.

جنبش سندیکایی و تشکل مستقل کارگری، بدیل اصلاح‌طلبان و جناح چپ سرمایه

با شکست انتخاباتی اصلاح طلبان حکومتی، جنبش اصلاحات نظام اسلامی، دستخوش نشئت سیاسی چشمگیری شد. بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان، این حقیقت را دریافتند که با فرستادن «آخوندهای رادیکال» به جلو صحنه، نمیتوان سخن از اصلاحات نظام اسلامی راند. بدیده اینان، خاتمی، «بزرگترین فرصت تاریخی» برای اصلاح نظام اسلامی را به باد داد. درس‌هایی که اینان از شکست جبهه دوم خرداد گرفته‌اند در یک شعار خلاصه گشته است: «عبور از خاتمی». عبور از خاتمی، یعنی پشت سر گذاشتن، تاکتیک فشار از پایین توسط جنبش دانشجویی و چانه زنی در بالا. عبور از خاتمی یعنی، تعیین تاکتیک و استراتژی دراز مدت برای ایجاد یک تحزب پایدار، میان جناحهای بوزوازی ایران. عبور از خاتمی یعنی تلاش جهت نهادینه ساختن جنبش اصلاحات و مبدل کارکردن طبقه کارگر به پایگاه اجتماعی آن. و سرانجام عبور از خاتمی یعنی رویکرد، اصلاح‌طلبان رادیکال، به طبقات اصلی جامعه برای سازمان دادن آنان.

در چنین شرایطی، کانون‌های سابق بحران جناح‌ها، یعنی مساجد و دانشگاه‌ها، به مراکز صنعت و کار رانده میشود. این واقعه در شرایطی بوقوع می‌پیوندد که، جنبش کارگری بدلیل یک‌دهه عقب نشینی و تحمل فلاکت بی‌سابقه، فاقد صف مستقل برای ابراز وجود سیاسی اجتماعی است.

جنبش سندیکایی کنونی، حاصل یک‌دهه تلاش اصلاح‌طلبان برای بکارگیری تجارب طبقه سرمایه‌دار جهت کنترل مبارزات کارگری می‌باشد. فعالین سندیکایی جنبش کنونی، در بهترین حالت، پیشتازان، دموکراسی خواهی اصلاح طلبان «رادیکال» در میان طبقه کارگر هستند. احزاب اصلاح طلب و چپ می‌کوشند تا بر این حقیقت پرده افکنند. همه اینان بر این حقیقت واقفند که ظهور قارچ گونه «کمیت‌ها» و «سندیکاهای کارگری»، طی دو سال گذشته، نه محصول پیشروی و سازمانیابی اعتراضات کارگری، بلکه بازتاب شکست و نشئت در صف اصلاح‌طلبان و سرانجام محصول تنش جناح‌ها در بالا بوده است.

فعالین سندیکایی کنونی، فعالین یک جنبش سیاسی معین، بر علیه طبقه کارگر هستند. جنبش سیاسی که هدف آن تبدیل کردن اعتراضات طبقه کارگر به ابزاری برای ایجاد اصلاحات در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. شکی نیست که به محض اعتلای مبارز طبقاتی و با ابراز وجود اولین اعتراضات مستقل طبقاتی، سندیکاهای «مبارز» کنونی، در نقش پلیس کارگری به سرکوب این اعتراضات خواهند پرداخت. این جنبش که حمایت سازمان‌های کارگری سرمایه‌داری جهانی و احزاب چپ سرمایه را بدنبال دارد، حتی همین امروز نیز تمام کوشش خود را برای کنترل اعتراضات کارگری در چارچوب «نظم سندیکایی» و «عدم خشونت» بکار میگیرد.

احزاب جناح چپ سرمایه نیز با تمام قوا در حال اثبات شایستگی خود برای حضور در سیستم سیاسی نظام موجود هستند. اینان تمام توان خود را جهت همراه شدن با کارناوال «تشکل‌های مستقل کارگری» بکار گرفته‌اند. کمونیست‌های قلابی، یعنی مدافعان

سابق خمینی‌ها و خلخال‌ها، میکوشند تا جای پای در جنگ قدرت جناح‌ها برای خود بیابند. اینان همانقدر مدافع کارگر هستند که خانه کارگر و جبهه مشارکت مدافع کارگران هستند.

بسوی بدیل طبقاتی کارگران، محافل مخفی کارگری و هیات‌های نمایندگان

کارگران! کمونیست‌های انترناسیونالیست، شما را فرا میخوانند تا اعتراضات کارگری را بزیر مواضع و شعارهای این سنت انقلابی سازمان دهید.

جنبش سندیکایی فعلی، جنبشی است که توسط جناح‌های سرمایه‌داران سازمان داده شده است. در مقابل آلترناتیو اصلاح‌طلبان حکومتی، یعنی سندیکاها، آلترناتیو واقعی خودتان، هیات نمایندگان مستقل، را قرار دهید.

شما خود می‌بینید که چگونه حتی سرکوبگران خانه کارگر نیز میکوشند از مضحکه «جنبش صنفی» عقب نمانند. شما خود دیده یا شنیده‌اید که چگونه ماموران اعزامی خانه کارگر، به کارخانجات و صنایع رفته و از کارگران میخواهد تا برای «یک اعتراض دو ساعته در مقابل انتظامات» تجمع کنند. شما خود می‌بینید که چگونه، تصاویر چنین تجمعات فرمایشی، در صفحه اول مطبوعات مزدبگیر، بعنوان اعتراضات مستقل صنفی، نقش می‌بندد. همه جناح‌های سرمایه، بر غیر طبقاتی بودن حرکات گروه‌های متعدد کارگری، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. وحشت اینان از مبارزه کارگران به مثابه یک طبقه است. وحشت اینان از مبارزه مستقل طبقاتی است. مبارزه‌ای که بناچار مبارزه‌ای علیه کلیت جناح‌ها و احزابشان است. آنان که شما را فرا میخوانند تا، «تشکلات صنفی» بسازید، هدفشان قرار دادن گروه‌های پراکنده کارگری در مقابل کلیت طبقه کارگر و حرکت طبقاتی شما است. پیشروان واقعی چنین تشکلهای «صنفی» سیاست‌بازان نظام بردگی مزدی هستند. اینان نیک میدانند که هر حرکت بواقع مستقل کارگری به اعتراض طبقاتی، یعنی اعتراض طبقه کارگر به طبقه حاکم و نهادهای سیاسی آن بدل میشود. هدف سندیکاها اینان نیز ممانعت از همین اعتراض مستقل طبقاتی است.

تنها و تنها به نیروی خود تکیه کرده و هیچ دفتر و دستکی را برسمیت نشناسید. مبارزات خود را با تکیه بر نیروی خود سازمان داده و خواست‌هایتان را از طریق انتخاب هیات نمایندگان در تجمع کارگری پیش برید. پیشروی مبارزه مستقل شما به گسترش اعتراضات مستقل کارگری و سرانجام به تشکیل کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری منتهی خواهد شد. تنها تبدیل مبارزات پراکنده به مبارزه‌ای منسجم و طبقاتی است که میتواند نقطه پایانی بر حیات ننگین نظام اسلامی و جناح‌های آن نهاد.

کارگران مبارز! انتخاب نمایندگان قابل عزل توسط گردهمایی عمومی، متناسب با شرایط جامعه، موثرترین سلاح شما علیه ترفندهای جناح‌های طبقه حاکم است. باندهای کارگری وابسته به جناح‌های نظام اسلامی، بویژه اصلاح‌طلبان، را به حال خود رها کنید تا به جان یکدیگر بیافتند. تاکتیک اصلاح‌طلبان، راه انداختن بحث‌های فریبنده، برای کشاندن شما بسوی دامچاله، فعالیت علنی و قانونی، تحت وحشی‌ترین حکومت سرمایه است. با ایجاد محافل مخفی کارگری برای سازمان دادن هیات‌های منتخب کارگری، تعرض جناح‌های سرمایه، علیه جنبش کارگری را عقب برانید.